

حقیقت چیست؟ - شماره پنج

تسلّی دهنده

Jeff Pippenger

2023-09-11

تاریخ نبوتی‌ای که در درونِ هفت رعد گشوده شده است، تاریخی را که اکنون در آن به سر می‌بریم شناسایی می‌کند. این سر پنهان بود تا زمانی که تاریخی که نمایندگی می‌کرد فرا رسيد. این همان زمانی است که تسلّی دهنده، روح «راستی»، آن حقیقتی را آشکار می‌سازد که یوحنا آن را مکاشفه عیسی مسیح نامید، زیرا عیسی مسیح همان حق است. موضوع صرفاً این نیست که واژه «راستی» نمایانگر سیرتِ خداست. و نیز صرفاً مکاشفه‌ای از زبان‌شناس شگفت‌انگیز نیست که واژه عبری «راستی» در سراسر کتب مقدس به شیوه‌هایی چنین عمیق به کار رفته است. بلکه همچنین آن معجزه شگفت‌انگیزی است که چون فهمیده شود، به کلید گشودن نبوت‌های کتاب مکاشفه بدل می‌گردد، و با این کار، تمام کتاب مقدس را می‌گشاید. اما این تنها برای کسانی است که مایل‌اند آنچه را در آن مکتوب است ببینند، بشنوند، و نگاه دارند، زیرا وقت نزدیک است.

تا انسان‌ها «حقیقت» را به گونه‌ای بشناسند که به واسطه آن تقدیس شوند، حضور روح‌القدس لازم است. انسان‌ها می‌توانند از لحاظ فکری واژه «حقیقت» را درک کنند و حتی از اهمیت آن در شگفت شوند، اما «حقیقت» باید خورده شود. حقیقت باید درونی گردد و بخشی از تجربه شخص شود، زیرا کلام، قدرت خلاق خدا را به کسانی منتقل می‌کند که می‌کوشند به صورت مسیح دگرگون شوند. یکی از نقطه‌های آغازین پژوهش شخصی من درباره واژه عبری ترجمه شده به «حقیقت»، عبرانی‌دانان بودند که آنان نیز به ماهیت شگفت‌انگیز واژه «حقیقت» و کاربرد آن در کتاب مقدس می‌پردازند. اما دلیلی وجود ندارد که باور کنیم فهم فکری آنان از واژه «حقیقت» ایشان را به مسیح رسانده است.

این حقیقت نبوی که کلام باید با حضور روح‌القدس خورده شود، بازتاب تعریفِ خواهر وایت از «روغن» در مثل ده باکره است، و نیز توصیف او از دو طبقه از باکرگانی که در انتظار داماد هستند.

ایک علامت اکثر ایک سے زیادہ معنی رکھتی ہے، اور اس کے معنی کا تعین اُس سیاق و سباق سے ہونا چاہیے جہاں وہ علامت واقع ہو۔ اُس کا تعین نہ تو کسی نحوی ماہر کی لفظی تعریف سے ہونا چاہیے اور نہ اُس تاریخی زمانہ تحریر سے جس میں وہ لفظ لکھا گیا تھا۔ یہی وہ دو طریقے ہیں جنہیں ایڈونٹ ازم کے الہیات دانوں نے "سچائی" کا انکار کرنے کے لیے اختیار کر رکھا ہے۔ ایک علامت کی تعریف اُس سیاق و سباق سے ہوتی ہے جہاں وہ استعمال کی گئی ہو۔ روح نبوت کے اندر، دس کنواریوں کی تمثیل میں لفظ "تیل" کم از کم چند مختلف چیزوں کی نمائندگی کرتا ہے، اور یہ اُس مقام کے سیاق و سباق پر منحصر ہے جہاں "تیل" پایا جاتا ہے۔ ایک جماعت کنواریوں کے پاس تیل کیوں ہے اور دوسری کے پاس کیوں نہیں؟

»جہانی هست کہ در شرارت، در فریب و گمراہی، و در همان سایہ مرگ آرمیدہ است—خفتہ، خفتہ. چہ کسانی دردِ جان را احساس می‌کنند تا آنان را بیدار سازند؟ کدام صدا می‌تواند بہ ایشان برسد؟ ذہنم بہ آیندہ بردہ می‌شود، ہنگامی کہ آن ندا دادہ خواہد شد: "اینک داماد می‌آید؛ بہ استقبال او بیرون روید." اما برخی در بہ دست آوردن روغن برای پر کردن چراغ‌های خود درنگ کردہ خواہند بود، و آنگاہ بسیار دیر درمی‌یابند کہ منش، کہ بہ وسیلہ روغن نمایاندہ شدہ است، قابل انتقال نیست. آن روغن، پارسایی مسیح است. این روغن نمایانگر منش است، و منش قابل انتقال نیست. ہیچ کس نمی‌تواند آن را برای دیگری فراہم سازد. ہر کس باید برای خود، منش و سیرتی پالودہ از ہر لکہ گناہ بہ دست آورد.» Bible Echo، 4، مہ 1896.

باکره احمق آنے والے نہایت قریب بحران میں کامیاب ہونے کے لیے درکار سیرت کی مالک نہیں ہیں۔ وہ مسیح کی راست بازی سے محروم ہیں۔ لیکن تیل ایک پیغام بھی ہے، اور ”آخری ایام“ میں دس باکروں کی تمثیل کا تیل وہ آخری انتباہی پیغام ہے جس کی نمائندگی یسوع مسیح کا مکاشفہ کرتا ہے، اور جسے سنا، پڑھا، اور محفوظ رکھا جانا ہے۔

»مسح شدگانی کہ نزد خداوند تمامی زمین ایستاده اند، همان مقامی را دارند کہ زمانی به شیطان به عنوان کروی سايه گستر داده شده بود. خداوند به وسیله موجودات مقدسی کہ تخت او را احاطه کرده اند، پیوسته ارتباطی مداوم با ساکنان زمین برقرار می دارد. روغن زرین نمایانگر آن فیضی است کہ خدا به وسیله آن چراغ های ایمانداران را فراهم و محفوظ می دارد تا سوسو نزنند و خاموش نگردند. اگر این روغن مقدس در پیام های روح خدا از آسمان فرو ریخته نمی شد، عوامل شر به طور کامل بر انسان ها تسلط می یافتند.»

”خدا زمانی بی حرمتی می بیند کہ پیام هایی را کہ برای ما می فرستد، دریافت نکنیم. بدین سان، آن روغن طلایی را کہ او می خواهد در جان های ما بریزد تا به آنان کہ در تاریکی اند رسانیده شود، رد می کنیم. هنگامی کہ ندا در رسد: «اینک، داماد می آید؛ به استقبال او بیرون روید»، کسانی کہ روغن مقدس را دریافت نکرده اند و فیض مسیح را در دل های خود گرامی نداشته اند، همچون باکره های نادان خواهند یافت کہ برای ملاقات با خداوند خود آماده نیستند. آنان در خود، توانی برای به دست آوردن آن روغن ندارند، و زندگی شان تباه می شود. اما اگر روح القدس خدا طلب شود، اگر همان گونه کہ موسی التماس کرد، ما نیز استدعا کنیم: «جلال خود را به من بنما»، محبت خدا در دل های ما ریخته خواهد شد. از طریق لوله های طلایی، روغن طلایی به ما منتقل خواهد شد. «نه به قوت و نه به قدرت، بلکه به روح من، یهوه صباوت می گوید.» فرزندان خدا با دریافت پرتوهای درخشان آفتاب عدالت، همچون نورها در جهان می درخشند.” ریویو اند هرالڈ، 20 ژوئیه 1897.

»روغن» همان پیام نهایی است کہ بار دیگر، مکاشفۀ عیسی مسیح می باشد. در این عبارت، آنان کہ می خواهند روغن را داشته باشند، باید به درگاه خدا التماس کنند، همان گونه کہ موسی در غار حوریب کرد. اما توجه کنید کہ اگر بناست «همان گونه کہ موسی التماس کرد» از خدا بخواهیم کہ جلال خویش را به ما «بنمایاند»، نخست باید روح القدس را کہ تسلی دهنده است، درخواست کنیم. اگر چنین کنیم، آنگاه به واسطه فرشتگان و دو لوله زرین، از عدالت مسیح بهره مند خواهیم شد. اگر گمان کنیم کہ می توانیم دعا و تضرع کنیم تا سیرت مسیح را به دست آوریم، چنان کہ سنت ها و آداب ادونتیسیم لائودیکه ای القا می کند کہ باید چنین کرد، و در همان حال پیام مکاشفۀ عیسی مسیح را رد می کنیم، خود را فریب می دهیم. عدالت او از طریق «پیام های روح خدا» به ما منتقل می شود؛ همان پیام هایی کہ به وسیله آن دو مسح شده ای کہ در حضور تخت خدا ایستاده اند، ابلاغ می گردد. هنگامی کہ پیام او را رد می کنیم، عدالت او را رد می کنیم.

پس من پاسخ داده، به او گفتم: این دو درخت زیتون کہ بر جانب راست شمعدان و بر جانب چپ آن هستند، چیستند؟ و بار دیگر پاسخ داده، به او گفتم: این دو شاخه زیتون کہ به واسطه دو لوله زرین، روغن زرین را از خود جاری می سازند، چیستند؟ و او در پاسخ من گفت: آیا نمی دانی کہ اینها چیستند؟ و من گفتم: نه، سرورم. آنگاه گفت: اینها آن دو مسح شده اند کہ نزد خداوند تمامی زمین ایستاده اند. زکریا ۴: ۱۱-۱۴.

دو «مسیح شده» کہ «در حضور خداوند تمامی زمین ایستاده اند»، همچنین به عنوان دو شاهد مکاشفہ یازده نیز به تصویر کشیده شده اند.

»دربارۀ آن دو شاهد، نبی همچنین اعلام می دارد: “اینانند آن دو درخت زیتون و آن دو چراغدان کہ در حضور خدای زمین ایستاده اند.” «کلام تو»، مزمور نویس گفت، «برای پاهای من چراغ، و

برای راه من نور است.» مکاشفه 11:4؛ مزمور 119:105. آن دو شاهد، نماینده کتب مقدس عهد عتیق و عهد جدید هستند.» کشمکش عظیم، 267.

خواه شهادت زکریا را درباره دو شاهد در نظر بگیریم، یا شهادت یوحنا را، سیاق هر یک از این دو شهادت همان فرایند ابلاغی است که نخستین حقیقت مطرح شده در ارتباط با پیام مکاشفه عیسی مسیح در مکاشفه باب یک، آیه یک می باشد: از پدر، به پسر، به فرشتگان، به یک نبی، به کلیسا. فرایندی که در آن مسیح با نوع بشر سخن می گوید، از جمله مفاهیم اساسی است که او می کوشد در پیام هشدار نهایی مکشوف سازد. این امر با تأکیدی که در ارائه پیام های فرشته اول و سوم هر دو دیده می شود، مطابقت دارد.

پیام فرشته نخست با ویلپام میلر نمایانده می شود. میلر دارای چندین ویژگی نبوی است که باید شناخته شوند. او «پدر» آن جنبش بود، و این، از حیث آلفا و امگا، اقتضا می کند که پسری نیز وجود داشته باشد. او نماینده جنبشی بود که با نام «میلری» شناخته می شد، و این واژه نام نوعی سنگ است. از او برای تنظیم مجموعه ای از قواعد کتاب مقدسی تفسیر نبوی استفاده شد. آن قواعد به جزئی اساسی از ابلاغ پیام های روح خدا بدل می شوند؛ پیام هایی که یا رد شدند یا پذیرفته شدند، همان گونه که افراد نسل میلر برگزیدند که یا وضعیت ابلهانه لائودکیایی خود را حفظ کنند یا به فیلادلفیاییان حکیم بدل شوند. او به عنوان پدر پیام فرشته نخست، نمونه وار جنبشی را مجسم می سازد که پیام فرشته سوم را اعلام خواهد کرد، و فهم آن جنبش از پیام، به وسیله مجموعه ای ویژه از قواعد کتاب مقدسی تفسیر نبوی هدایت خواهد شد که پیام فرشته سوم را به همان استواری ای برقرار می سازد که میلر برای استوار ساختن پیام فرشته نخست به کار گرفته شد. خدا هرگز تغییر نمی کند؛ عیسی مسیح همان است دیروز و امروز و تا ابدالآباد.

گمراه نه ہو، اے میرے پیارے بھائیو۔ ہر اچھی بخشش اور ہر کامل عطا اوپر سے ہے، اور نوروں کے باپ کی طرف سے نازل ہوتی ہے، جس میں نہ کوئی تغیر ہے اور نہ گردش کا سایہ۔ اُس نے اپنی مرضی سے ہمیں کلام حق کے وسیلہ سے پیدا کیا، تاکہ ہم اُس کی مخلوقات میں سے گویا ایک قسم کے پہلے پہل ہوں۔ یعقوب 1:16-18.

در آغاز یا در پایان ادونتیسیم، پیام های روح خدا که به وسیله روغن نمادین شده اند، از طریق دو شاهد منتقل می شوند. در آغاز، نزد میلری ها، دو شاهد عهد عتیق و عهد جدید بودند، و در پایان، کتاب مقدس و روح نبوت هستند. این همان علتی است که چرا یوحنا، که به کامل ترین وجه پایان قوم خدا را در ایام آخر داوری تحقیقی به تصویر می کشد، در جزیره پطمس بود.

من، یوحنا، که برادر شما و شریک در مصیبت و در ملکوت و صبر عیسی مسیح نیز هستم، در جزیره ای بودم که پطمس نامیده می شود، به خاطر کلام خدا و به سبب شهادت عیسی مسیح. مکاشفه 9:1.

فضای نبوی پطمس دلالت بر آن دارد که یوحنا در حال آزار و جفا دیدن بود. او به سبب دریافت پیام های روح خدا که مکاشفه عیسی مسیح را از طریق کتاب مقدس و روح نبوت آشکار می سازند، مورد آزار و جفا قرار می گرفت.

آزار قوم «ایام آخر» خدا همچنین در مکاشفه باب یازدهم به تصویر کشیده شده است، آن گاه که آن دو شاهد در کوچه ها کشته می شوند و همه مرگ ایشان را جشن می گیرند. در باب یازدهم، آن دو شاهد ایلیا و موسی هستند. آنان به مدت سه سال و نیم شهادت خود را ادا کردند و سپس کشته شدند، اما پس از آن قیام کردند.

تمام انبیا دربارهٔ ایام آخر بیش از تاریخ زمان خود سخن می‌گویند؛ پس اگر کتابی باشد که دربارهٔ ایام آخر سخن می‌گوید، آن کتاب مکاشفه است، جایی که همهٔ کتاب‌های کتاب مقدس به هم می‌رسند و پایان می‌یابند. بنابراین، در ایام آخر باید «پیامی» باشد که کشته شود و پس از آن قیام کند. مکاشفه باب یازدهم تاریخ انقلاب فرانسه را به تصویر کشید، اما به گونه‌ای مستقیم‌تر، حمله‌ای را بر ضد پیام فرشته سوم در ایام آخر به تصویر می‌کشد. آن پیام و آن جنبشی که به واسطهٔ پیام و جنبش میلر نمونه‌وار نشان داده شده بود، آن حمله را متحمل شد و در ۱۸ ژوئیهٔ ۲۰۲۰ مرد. بر اساس مکاشفه باب یازدهم، آن حمله به وسیلهٔ وحشی که از هاویه برمی‌آید انجام می‌گرفت.

و چون شهادت خویش را به پایان رسانند، آن وحشی که از هاویه برمی‌آید با ایشان جنگ خواهد کرد و بر آنان غلبه خواهد یافت و ایشان را خواهد کشت. و اجساد ایشان در کوی آن شهر بزرگ خواهد افتاد، که از حیث روحانی سدوم و مصر خوانده می‌شود، جایی که خداوند ما نیز در آن مصلوب گردید. مکاشفه ۱۱/۸، ۹

خواهر وایت به ما آگاه می‌سازد که «هاویه بی‌انتها» نمایانگر تجلّی تازه‌ای از قدرت شیطانی است.

«وقتی شهادت خود را به پایان رسانند [در حال به پایان رساندن شهادت خود باشند].» دوره‌ای که در آن دو شاهد می‌بایست در پلاس نبوت کنند، در سال ۱۷۹۸ پایان یافت. هنگامی که به خاتمهٔ کار خود در گمنامی نزدیک می‌شدند، می‌بایست آن قدرتی که به صورت «وحشی که از هاویه بی‌انتها برمی‌آید» معرفی شده است، بر ضد ایشان جنگ برانگیزد. در بسیاری از ملت‌های اروپا، قدرت‌هایی که در کلیسا و دولت حکم می‌راندند، قرن‌ها از طریق پاپیت تحت مهار شیطان بوده‌اند. اما در اینجا تجلی تازه‌ای از قدرت شیطانی به معرض دید آورده می‌شود.» نبرد عظیم، ۲۶۸

در کتاب مکاشفه سه قدرت معرفی شده‌اند که از هاویه برمی‌خیزند: نخستین قدرت، اسلام است در مکاشفه باب ۹ آیه ۲؛ دومین، الحاد انقلاب فرانسه است در باب ۱۱ آیه ۸؛ و سومین، روم مدرن است در باب ۱۷ آیه ۸. «ظهور جدید» در ایام آخر که نه تنها به جنبشی که به وسیلهٔ جنبش میلری نمونه‌سازی شده است حمله می‌کند، بلکه به جهان نیز یورش می‌برد، بیداری جعلی فریاد نیمه‌شب جعلی است که به «وک‌ئیسم» شناخته می‌شود. وک‌ئیسم نمایانگر «ظهور جدیدی از قدرت شیطانی» است که از سوی ضد مسیح یسوعی کنونی پشتیبانی می‌شود و از طریق بازرگانان، رهبران سیاسی سازمان ملل متحد، نمایندگان لیبرال در کلیساهای ساقط پروتستان‌یسم در ایالات متحده، و حزب دموکرات، همراه با جمهوری خواهان RINO که یا همهٔ گونه‌های سبک‌های زندگی منحرف جامعهٔ همجنس‌گرایان را ترویج می‌کنند یا اجازهٔ ترویج آن را می‌دهند، پیش برده می‌شود؛ همان‌گونه که در باب ۱۱ این امر با «سدوم» به تصویر کشیده شده است. این سه قدرت همان‌هایی هستند که جهان را به سوی هارمجدون رهبری می‌کنند، و همچنین به وسیلهٔ «مصر» نیز نمایش داده می‌شوند، که نماد الحاد و دنیاگرایی است. در بستر هرج و مرج انقلاب فرانسه، که خود یکی دیگر از عناصر این سه قدرت است که آنچه خواهر وایت «اتحاد شریرانه» می‌نامد را تشکیل می‌دهند، این قدرت‌ها یا مستقیماً وک‌ئیسم را ترویج می‌کنند یا مجال ترویج آن را فراهم می‌آورند. وک‌ئیسم جعل شیطانی بیداری ده باکره است. در این زمینه‌ها مطالب بیشتری برای بحث داریم، اما نخست باید پیامدهای قتل را بررسی کنیم که در کوچه در تاریخ ۱۸ ژوئیهٔ ۲۰۲۰ به انجام رسید.

اور نیز، خوانندهٔ عزیز، لطفاً دریابید که من هیچ حمایتی برای ارائه به حزب جمهوری خواه ندارم. هیچ گرایش سیاسی‌ای وجود ندارد که به آن اعتماد داشته باشم. آنچه من صرفاً بدان اشاره می‌کنم، پویایی‌های نبوی‌ای است که در ایالات متحده، سازمان ملل متحد و دستگاه پاپی وجود دارد. این پویایی‌ها به طور مشخص‌تر مورد بررسی قرار خواهند گرفت، آنگاه که آغاز کنیم به پرداختن مستقیم به آن دو شاخه که از سال ۱۷۹۸ تا قانون یکشنبه به موازات یکدیگر قرار دارند.

وہ شیطانی ووک ازم جو ایک جعلی نصف اللیل کی صدا کی نمائندگی کرتا ہے، حقیقی نصف اللیل کی صدا سے پہلے آتا ہے، اور حقیقی نصف اللیل کی صدا کے وقت سے پہلے، وہ لوگ جو گلیوں میں ہلاک کیے گئے ہیں، بالآخر یا تو نادان کنواری بن جائیں گے یا دانا کنواری۔ وہ زمانہ اب آپہنچا ہے جب ہمارے کرداروں کا بندھا جانا یا تو اُس گٹھر میں ہو رہا ہے جو ہلاکت کی آگ کے لیے مقدر ہے، یا اُس گٹھر میں جو آسمانی کھتے کے لیے ہے۔

خواہر وایت تصریح می کند کہ در زمان تأخیر، باکرہ گان نادان تاریخ میلری به گونه ای متفاوت از باکرہ گان دانا به آزمایش ناشی از نومییدی واکنش نشان دادند؛ و بدین سان دلالت می کند که تا هنگام زمان تأخیر، منش ایشان از پیش تثبیت شده بود. اما شهادت ارمیا ما را آگاه می سازد که می توانیم اختیار کنیم که به سوی خدا بازگردیم، و او نه تنها به سوی ما بازخواهد گشت، بلکه ما را در حالی که در بحران پس از آن به مثابه دھان او به کار گرفته می شویم، در برابر شریران و هولناک، حصاری برنجین خواهد ساخت. در همان نقطه نبوی است که عیسی وعده می دهد ما را تسلی دهد. این است اهمیت چهار فصل یوحنا که در درون تاریخ کنونی ما قرار داده شده اند.

है। सहायक "आत्मा का परमेश्वर है। संदेश के आत्मा के परमेश्वर यह और, है चरतिर यह; है आत्मा पवतिर तेल ईश्वरीय अपने ने यीशु जैसे और, दिया दे पुत्र एकलौता अपना उसने करिखा प्रेम ऐसा से जगत ने परमेश्वर जैसे के अंग ही अपने से स्वेच्छा लिए के अनन्तकाल, था रचा उसने जसै, को मानवता उस करके बलदान का स्वरूप रहेगा। बना सदा साथ हमारे, है जाता दिया मे समयावधि इस जो, आत्मा पवतिर ही वैसे, कथिा स्वीकार मे रूप

اگر مرا محبت می دارید، احکام مرا نگاه دارید. و من از پدر درخواست خواهم کرد، و او تسلی دهنده ای دیگر به شما عطا خواهد فرمود تا همیشه با شما بماند؛ یعنی روح راستی، که جهان نمی تواند او را بپذیرد، زیرا او را نه می بیند و نه می شناسد؛ اما شما او را می شناسید، زیرا با شما ساکن است و در شما خواهد بود. شما را یتیم نخواهم گذاشت؛ نزد شما خواهم آمد. یوحنا 14:15-18.

این فداکاری روح در برگزیدن این که برای همیشه با انسان ها ساکن بماند، با فداکاری آن دو شخص دیگر سه گانه آسمانی هم سنگ است. شاید به همان اندازه که فداکاری روح در آمادگی او برای زیستن در درون هر یک از نجات یافتگان تا ابدیت اهمیت دارد، آمدن «تسلی دهنده» در این تاریخ خاص نیز مشخص می سازد که قوم خدا چه زمانی برای ابدیت مهر می شوند.

و روح قدّوس خدا را محزون مسازید، که به او تا روز رستگاری مَهر شده اید. افسسیان ۴:۳۰

در تاریخی که در آن وعده تسلی دهنده به گونه ای کامل تحقق می یابد، یعنی تاریخ آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر، روح در ما «تا ابد» «ساکن» خواهد بود. هر مسیحی ای که شرایط انجیل را پرآورده ساخت، روح القدس را دریافت کرد و از این رو «برای روز رستگاری مهر شده» بود؛ اما آن مهر شدن صرفاً به زمانی اشاره می کند که در همین تاریخ کنونی، آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر باید مهر شوند. در افسسیان، آنان که برای روز رستگاری مهر شده اند با کسانی مقابله داده شده اند که «روح القدس» را «محزون» می سازند. ایشان با امتناع از پذیرفتن ابلاغات روح خدا، روح القدس را محزون می سازند، و بدین سان روغن زرین را رد می کنند. هنگامی که مسیح وعده می دهد که در این دوره ناامیدی، «تسلی دهنده»، یعنی «روح راستی» را برای ما بفرستد، او وعده می دهد که مهر خود را بر ما بنهد؛ و مهر او نمایانگر نگاه داشتن احکام اوست، به ویژه حکم سبت، که همان روزی است که یوحنا مکاشفه را دریافت کرد و همان مسئله ای است که در شرف رویارویی با جهان است.

مَهر باکره گان حکیم پیش از آزمون قانون یک شنبه انجام می شود، زیرا در آنجاست که شخصیت هم حکیمان و هم جاهلان آشکار خواهد شد؛ و شخصیت هرگز در بحران پدید نمی آید، بلکه صرفاً آشکار

می‌شود. مہر، از جملہ، نمایانگر دگرگونی از ذہن لاودیکہ‌ای بہ ذہن فیلا دلفیہ‌ای است. مشکل این است کہ برای آن کہ این دگرگونی بہ انجام رسد، نخستین آزمون برای ہر یک از ما آن است کہ صادقانہ دریابیم کہ تا بہ حال لاودیکہ‌ای بودہ ایم؛ زیرا بہ عنوان لاودیکہ‌ایان، نگرش روحانی اصلی ما این است کہ ہمہ چیز درست است، حال آن کہ در واقع ہمہ چیز بہ کلی نادرست است. آن نگرش باید کنار نہادہ شود؛ آن یکی از چیزهای پلیدی است کہ باید از گران بها جدا گردد.

«درست بہ محض آن کہ قوم خدا بر پیشانی‌های خود مہر شوند—نہ ہر مہر یا نشانی کہ بتوان آن را دید، بلکہ استقرار یافتن در حقیقت، ہم از لحاظ فکری و ہم روحانی، بہ گونه‌ای کہ نتوان آنان را از جای برکنند—درست بہ محض آن کہ قوم خدا مہر شوند و برای تکان خوردن آمادہ گردند، آن فرا خواہد رسید. در حقیقت، ہم اکنون نیز آغاز شدہ است؛ داوری‌های خدا اکنون بر زمین نازل شدہ اند تا بہ ما ہشدار دہند، تا بدانیم چہ چیزی در راہ است.» Seventh-day Adventist Bible Commentary، جلد 4، 1161.

«تسلّی دہندہ» ای کہ عیسی بہ شاگردان خود وعدہ می‌دہد، و ایشان را در زمان نومیدی تسلّی می‌بخشد، قومِ خویش را بہ تمامی راستی ہدایت می‌کند؛ و این از طریق «استقرار یافتن در راستی» است کہ ما مہر می‌شویم. «راستی» ای کہ قوم خدا باید در این مقطع در آن استقرار یابند، همان «راستی» ای است کہ اندکی پیش از بستہ شدن مہلت فیض گشودہ می‌شود، زیرا «وقت نزدیک است». آن راستی، ساختار تاریخ پنهان ہفت رعد است، و آن تاریخ پنهان، تاریخی را مشخص می‌سازد کہ در آن، مکاشفہ عیسی مسیح گشودہ می‌شود. تاریخ پنهان ہفت رعد دقیقاً در همان زمانی بہ انجام خواہد رسید کہ «راستی» ای کہ بہ صورت آن تاریخ پنهان نمود یافتہ است، از حالت مہرشدہ بیرون آورده شود. گشودہ شدن «راستی» همان چیزی است کہ کسانی را کہ این پیامی را کہ پیش تر مہر شدہ بود می‌پذیرند، مہر می‌زند.

خدا کے لوگ اتوار کے قانون کے وقت برہم قوموں کے لرزہ براندام ہو جانے سے پہلے ہی اپنی پیشانیوں پر مہر کیے جاتے ہیں، اور یوں قومی تپاہی کا آغاز ہوتا ہے۔ یسوع مسیح کا مکاشفہ، مکاشفہ کی کتاب کی "نبوت کی باتیں" ہیں، جن پر اب مہر نہیں کی جانی، کیونکہ وقت نزدیک ہے۔ یہی وہ سچائی ہے جسے اب پڑھا جانا، سنا جانا، اور سب سے بڑھ کر محفوظ رکھا جانا چاہیے، اگر ہمیں مبارک ٹھہرنا ہے۔

یہوداہ نے—اسکریوطی نہیں—اُن سے کہا: اے خداوند، یہ کیا بات ہے کہ تُو اپنے آپ کو ہم پر ظاہر کرے گا اور دنیا پر نہیں؟ یسوع نے جواب میں اُس سے کہا: اگر کوئی مجھ سے محبت رکھے، تو وہ میرے کلام پر عمل کرے گا؛ اور میرا باپ اُس سے محبت رکھے گا، اور ہم اُس کے پاس آئیں گے اور اُس کے ساتھ اپنا مسکن بنائیں گے۔ جو مجھ سے محبت نہیں رکھتا، وہ میری باتوں پر عمل نہیں کرتا؛ اور جو کلام تم سنّے ہو وہ میرا نہیں بلکہ باپ کا ہے جس نے مجھے بھیجا ہے۔ یہ باتیں میں نے تم سے اُس وقت کہی ہیں جب میں ابھی تمہارے ساتھ موجود ہوں۔ لیکن مددگار، یعنی روح القدس، جسے باپ میرے نام سے بھیجے گا، وہ تمہیں سب باتیں سکھائے گا، اور جو کچھ میں نے تم سے کہا ہے وہ سب تمہیں یاد دلائے گا۔ یوحنا 14:22-26.

برای آنان کہ پیامی را کہ در حال گشودہ شدن است نگاہ می‌دارند، وعدہ این است کہ تسلّی دہندہ «ہمہ چیز» را بہ ما «تعلیم» خواہد داد، یعنی «ہر آنچہ» عیسی «بہ شما» گفتہ است. این همان وعدہ‌ای است کہ برای شاگردان عِماؤس و پس از آن برای یازدہ شاگرد بہ انجام رسید. ہنگامی کہ مسیح دست خود را از چشمان شاگردان عِماؤس کہ «بستہ نگاہ داشتہ شدہ بود» برداشت، و سپس «فہم» یازدہ شاگرد را «گشود» تا بتوانند «کتب مقدّس را بفہمند»، او در حال ثبت وعدہ‌ای برای کسانی بود کہ در «ایام آخر» زندگی می‌کنند؛ کسانی کہ از نومیدی خود بازخواہند گشت، از وضعیت لاؤدیکہ‌ای خویش توبہ خواہند کرد و «حق» را خواہند پذیرفت. «تسلّی دہندہ» در «ایام آخر»، در حالی کہ «ہمہ چیز» را بہ ما تعلیم می‌دہد، «ہمہ چیز را» بہ «یاد» ما خواہد آورد. و همان قدر کہ بہ

یاد آوردن حقایق گذشته در حالی که او همه چیز را به ما تعلیم می‌دهد مهم است، او همچنان «امور آینده را» به ما «نشان خواهد داد».

لیکن میں تم سے سچ کہتا ہوں کہ میرا چلا جانا تمہارے لیے مفید ہے؛ کیونکہ اگر میں نہ جاؤں تو مددگار تمہارے پاس نہ آئے گا؛ لیکن اگر میں روانہ ہو جاؤں تو میں اسے تمہارے پاس بھیج دوں گا۔ اور جب وہ آئے گا تو دنیا کو گناہ، اور راستبازی، اور عدالت کے بارے میں قصوروار ٹھہرائے گا: گناہ کے بارے میں، کیونکہ وہ مجھ پر ایمان نہیں لاتے؛ راستبازی کے بارے میں، کیونکہ میں اپنے باپ کے پاس جاتا ہوں اور تم مجھے پھر نہ دیکھو گے؛ عدالت کے بارے میں، کیونکہ اس دنیا کا سردار مجرم ٹھہرایا جا چکا ہے۔ مجھے ابھی بہت سی باتیں تم سے کہنی ہیں، لیکن تم اب انہیں برداشت نہیں کر سکتے۔ تاہم جب وہ، یعنی سچائی کا روح، آئے گا تو وہ تمہاری تمام سچائی میں راہنمائی کرے گا؛ کیونکہ وہ اپنی طرف سے نہ کہے گا، بلکہ جو کچھ سنے گا وہی کہے گا، اور وہ تمہیں آنے والی باتوں کی خبر دے گا۔ وہ میرا جلال ظاہر کرے گا، اس لیے کہ وہ مجھ سے پائے گا اور تمہیں جتائے گا۔ یوحنا 14:7-16:7

در این زمان، تسلی دهنده ما را به «راستی» «هدایت» خواهد کرد، «همه چیز» را به ما خواهد آموخت، از جمله «امور آینده» را؛ زیرا در این زمان، عیسی هنوز «بسیار چیزها» دارد که به ما «بگوید». آن امور، خواه چیزهایی از «یادآوری» ما باشند، خواه «امور آینده»، یا آن «چیزهای» بسیاری که او «هنوز» دارد به ما بگوید، همان است که ما را برای بحران پیش رو مهر می‌کند. این چنین می‌کند، زیرا حقیقت او نمایانگر قدرت خلّاقه اوست. او پیش از بحران آینده ما را مهر می‌کند، زیرا قصد او این است که ما از پیش نسبت به عظیم‌ترین دوره جفا بر ضد قوم او که تاکنون در تاریخ مقدس رخ داده است، هشدار یافته باشیم. آن جفا به طور مشخص نشان می‌دهد که سخنان و اعمالی که ما در گذشته انجام داده‌ایم به یاد آورده خواهد شد و همان‌گونه که سخنان مسیح را بر ضد او تحریف کردند، بر ضد ما نیز به کار گرفته خواهد شد. با این همه، ما باید پیام را به عنوان شهادتی بر ضد عصیان ایشان، آن‌گونه که در حزقیال و مسیح نمود یافته است، ارائه کنیم.

هغه خبره په یاد ولری چې ما تاسو ته وکړه: بنده له خپل بادار څخه لوی نه دی. که هغوی زه غورولی یم، تاسو به هم غوروي؛ که هغوی زما خبره ساتلې وي، ستاسو خبره به هم وساتي. خو دا ټول کارونه به هغوی زما د نوم په خاطر درسره وکړي، څو که چې هغه نه پېژني چې زه یې رالېږلی یم. که زه نه وای راغلی او له هغوی سره مې خبرې نه وای کړې، هغوی ته به گناه نه وای؛ خو اوس د خپلې گناه لپاره هېڅ پلمه نه لري. څوک چې زما څخه کرکه کوي، زما له پلار څخه هم کرکه کوي. که ما د هغوی په منځ کې هغه کارونه نه وای کړي چې بل هېڅ انسان نه دي کړي، هغوی ته به گناه نه وای؛ خو اوس هغوی هم لیدلي دي او هم یې له ما او زما له پلار څخه کرکه کړې ده. خو دا څو که کېږي، څو هغه کلام پوره شي چې د هغوی په شریعت کې لیکل شوی دی: هغوی به له سببه زما څخه کرکه وکړه. خو کله چې تسلي ورکوونکی راشي، چې زه به یې د پلار له خوا تاسو ته راولېږم، یعنې د حق روح، چې له پلار څخه صادرېږي، هغه به زما په اړه شاهدي ورکړي. یوحنا 15:20-26.

«روح راستی» که «تسلی دهنده» است، بر مسیح، که «راستی» است، «شهادت خواهد داد». و «راستی» همان الف و یاء، اول و آخر، ابتدا و انتهاست. تاریخ پنهان هفت رعد، که اکنون مهرگشایی می‌شود، پیام مهر یکصد و چهل و چهار هزار است. در پیامدهای ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، ارمیا نمونه‌ای فراهم می‌آورد تا ما بتوانیم بازگشت به سوی او را که نخست ما را محبت نمود، برگزینیم. در به انجام رساندن آن کار بازگشت، مسئولیت داریم که گران‌بها را از فرومایه جدا سازیم. اگر نجات خویش را با ترس و لرز به انجام رسانیم و آن کار را کامل کنیم، مهر خواهیم شد و بی‌درنگ وارد بزرگ‌ترین بحران تاریخ زمین خواهیم گردید. همچنین این امتیاز را خواهیم داشت که تاریخی را تجربه کنیم که انبیا، پادشاهان و مردان صالح آرزوی دیدن آن را داشته‌اند.

آنان که آن کار را بر عهده گیرند و بازگردند، «در نوری که از تخت خدا صادر می‌شود، سلوک خواهند کرد»، و «به واسطه فرشتگان، ارتباطی پیوسته میان آسمان و زمین برقرار خواهد بود»، که همان فرایند ارتباطی است که در آیه آغازین کتاب مکاشفه شناسایی شده است.

«در این جهان، همگان در برابر خدا با دشمن هم‌پیمان نشده‌اند. همگان بی‌وفا نگشته‌اند. اندکی وفادار هستند که نسبت به خدا صادق و امین‌اند؛ زیرا یوحنا می‌نویسد: "در اینجا هستند آنان که احکام خدا را نگاه می‌دارند و ایمان عیسی را." مکاشفه 14:12. به زودی نبردی سخت میان آنان که خدا را خدمت می‌کنند و آنان که او را خدمت نمی‌کنند، درخواهد گرفت. به زودی هر آنچه را بتوان متزلزل ساخت، متزلزل خواهد شد، تا آنچه را نتوان متزلزل ساخت، باقی بماند.»

«شیطان دانشجوی کوشای کتاب مقدس است. او می‌داند که وقتش کوتاه است، و در هر نقطه می‌کوشد کار خداوند را بر این زمین خنثی سازد. ناممکن است بتوان تصویری از تجربه قوم خدا که در آن زمان بر زمین زنده خواهند بود، به دست داد؛ آنگاه که جلال آسمانی و تکرار جفاهای گذشته درهم می‌آمیزند. آنان در نوری که از تخت خدا صادر می‌شود، گام خواهند زد. به واسطه فرشتگان، ارتباطی پیوسته میان آسمان و زمین برقرار خواهد بود. و شیطان، در حالی که فرشتگان شریر او را احاطه کرده‌اند و مدعی است که خداست، انواع معجزات را به عمل خواهد آورد تا، اگر ممکن باشد، برگزیدگان را نیز بفریبد. قوم خدا ایمنی خود را در به عمل آوردن معجزات نخواهند یافت، زیرا شیطان معجزاتی را که به وقوع خواهند پیوست، تقلید خواهد کرد. قوم آزموده و امتحان‌شده خدا قوت خود را در آن نشانه‌ای خواهند یافت که در Exodus 31:12-18 از آن سخن گفته شده است. آنان باید بر کلام زنده خدا بایستند: «مکتوب است.» این تنها بنیادی است که بر آن می‌توانند استوار بمانند. آنان که عهد خود را با خدا شکسته‌اند، در آن روز بی‌خدا و بی‌امید خواهند بود.»

پرستندگان خدا به‌ویژه به سبب حرمت نهادنشان به فرمان چهارم متمایز خواهند شد، زیرا این فرمان نشانه قدرت آفرینندگی خدا و گواه حق او بر تکریم و پرستش انسان است. شریران به سبب کوشش‌هایشان برای فرو ریختن یادمان آفریننده و برکشدن نهاد روم متمایز خواهند شد. در موضوع این نبرد، سراسر جهان مسیحیت به دو طبقه بزرگ تقسیم خواهد شد: آنان که احکام خدا و ایمان عیسی را نگاه می‌دارند، و آنان که وحش و تمثال او را می‌پرستند و نشان او را می‌پذیرند. هرچند کلیسا و دولت قدرت خود را متحد خواهند ساخت تا همه را، «خرد و بزرگ، دولتمند و فقیر، آزاد و غلام»، وادار کنند که نشان وحش را بپذیرند، با این همه قوم خدا آن را نخواهند پذیرفت. مکاشفه 13:16. نبی پطمس می‌بیند «آنان را که بر وحش و بر تمثال او و بر نشان او و بر عدد نام او غالب آمده بودند، که بر دریای شیشه‌گون ایستاده‌اند و بر بپطهای خدا را دارند»، و سرود موسی و بره را می‌سرایند. مکاشفه 15:2.

«آزمایش‌ها و محنت‌های هولناک در انتظار قوم خداست. روح جنگ، ملت‌ها را از کران تا کران زمین به جنبش درمی‌آورد. اما در میانه زمان تنگی‌ای که در راه است—زمان تنگی‌ای چنان‌که از وقتی که قومی پدید آمده هرگز مانند آن نبوده است—قوم برگزیده خدا استوار و بی‌تزلزل خواهند ایستاد. شیطان و لشکر او نخواهند توانست ایشان را نابود کنند، زیرا فرشتگانی که در قوت برتری دارند از آنان محافظت خواهند کرد.» شهادت‌ها، جلد ۹، ۱۵-۱۷.

د دې خبرې پېژندل کېدو چې دا فقره د هغه فصل پای دی چې د شهادتونو د نهم ټوک په یوولسم مخ کې پیلېږي، او دا د نه-یوولس استازیتوب کوونکې پېژندل کېدای شي. د دې یادونه هم کېدو ده چې سرلیک د راتلونکې زوم په اړه دی، او هم د حقیقو هغو لوجو ته اشاره کوي چې له هماغه ځایه پولس هغه آیت واخیست چې د عبرانیانو په کتاب کې یې ولیکه. د فصل پیل هغه تاریخ نښه کوي چې د ۲۰۰۱ کال د سپتمبر په ۱۱مه پیل شو، د نبوت د عهد هغه دوه لوحې چې د ادوین ټېزم په پیل کې ورننوتل شوې، او دا چې سرلیک «وروستی بحران» دی، چې وروستی د نیمې

شپې فریاد په گوته کوي. د فصل پای له پیل سره په بشپړه توګه همغږی دی، څکه هم پیل او هم پای وروستي بحران ته اشاره کوي.

«بخش ا—برای آمدن پادشاه»

«زیرا اندک زمانی دیگر، و آن که باید بیاید، خواهد آمد و تأخیر نخواهد کرد.» عبرانیان ۱۰:۳۷.

«بحران آخری»

«ما در زمان پایان زندگی می‌کنیم. نشانه‌های زمان که به سرعت در حال تحقق‌اند، اعلام می‌دارند که آمدن مسیح نزدیک است. روزهایی که در آن‌ها زندگی می‌کنیم، جدی و مهم‌اند. روح خدا به تدریج اما به یقین از زمین در حال بازپس گرفته شدن است. بلاها و داوری‌ها هم‌اکنون بر خوارشمارندگان فیض خدا فرود می‌آیند. مصیبت‌های خشکی و دریا، آشفته‌گی وضع جامعه، و هشداری جنگ، همه شوم‌نشان‌اند. این‌ها رخدادهای نزدیک‌شونده‌ای را پیش‌بینی می‌کنند که از عظیم‌ترین اهمیت برخوردارند.» Testimonies, volume 9, 11.

اگر هم لوټ آئین اور یرمیاہ میں ظاہر کی گئی خدا کے ”منہ“ ہونے کی بلند دعوت کو قبول کر لیں، تو ہم بہت جلد مقدس تاریخ کی عظیم ترین جمع‌آوری میں شریک ہوں گے۔

او همچنان سخنان امید و دلگرمی به ایشان گفت. «دل شما مضطرب نشود،» فرمود؛ «به خدا ایمان دارید، به من نیز ایمان داشته باشید. در خانه پدر من منزل‌های بسیار است؛ اگر جز این بود، به شما می‌گفتم. می‌روم تا برای شما مکانی آماده کنم. و اگر بروم و برای شما مکانی آماده سازم، باز خواهم آمد و شما را نزد خود خواهم گرفت، تا آنجا که من هستم، شما نیز باشید. و جایی را که من می‌روم می‌دانید، و راه را نیز می‌دانید.» یوحنا ۱۴:۴-۴. به خاطر شما به جهان آمدم؛ برای شما کار کرده‌ام. چون بروم، باز هم با جدیت برای شما کار خواهم کرد. به جهان آمدم تا خود را بر شما آشکار سازم، تا ایمان آورید. نزد پدر خود و پدر شما می‌روم تا از جانب شما با او همکاری کنم.

«آمین، آمین، به شما می‌گویم، هر که به من ایمان آورد، کارهایی را که من می‌کنم او نیز خواهد کرد؛ و بزرگ‌تر از این‌ها نیز خواهد کرد، زیرا که من نزد پدر خود می‌روم.» یوحنا ۱۴:۱۲. مقصود مسیح از این سخن آن نبود که شاگردان کوشش‌هایی برتر و متعالی‌تر از کوشش‌های او به عمل خواهند آورد، بلکه این بود که کار ایشان دامنه‌ای گسترده‌تر خواهد داشت. او تنها به انجام معجزات اشاره نمی‌کرد، بلکه به هر آنچه تحت تأثیر و عمل روح‌القدس واقع می‌شد نظر داشت. او گفت: «و چون تسلی‌دهنده بیاید، که او را از جانب پدر نزد شما خواهم فرستاد، یعنی روح راستی که از پدر صادر می‌گردد، او بر من شهادت خواهد داد؛ و شما نیز شهادت خواهید داد، زیرا از ابتدا با من بوده‌اید.» یوحنا ۱۵:۲۶، ۲۷.

«به طرز شگفت‌انگیز این سخنان تحقق یافت. پس از نزول روح‌القدس، شاگردان چنان از محبت به او و به کسانی که او برای ایشان جان سپرد سرشار شدند که دل‌ها به سبب سخنانی که بر زبان می‌آوردند و دعا‌هایی که تقدیم می‌کردند، نرم می‌شد. آنان در قدرت روح سخن می‌گفتند؛ و تحت تأثیر آن قدرت، هزاران تن ایمان آوردند.» اعمال رسولان، ۲۱، ۲۲.